

Islamic Knowledge and Insight

معرفت و بصیرت اسلامی

Examining the Teachings of Mahdism from the Perspective of the Qur'an and Nahj al-Balagha

بررسی آموزه‌های مهدویت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

1. Roh Angiz Tayebi: PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran
2. Hamed Fathaliani*: Assistant Professor, Department of Education, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran. (Email: hmdftln@gmail.com)
3. Seyyed Hamid Hosseini: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

۱. روح انگیز طیبی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۲. حامد فتحعلیانی*: استادیار، گروه معارف، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران. (پست الکترونیک: hmdftln@gmail.com)
۳. سیدحمید حسینی: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

Abstract

Almighty God is the Light of the heavens and the earth, and He is Absolute Perfection; therefore, He has directed the course of the universe towards Himself. Since all affairs of the world are under His control, He alone is the true guide. However, as human beings are incapable of directly meeting and communicating with God, the Almighty has appointed intermediaries of grace to convey the truth to people and prohibit falsehood. These intermediaries, engaged in guiding humanity along the path of righteousness, acquire a divine character and are illuminated by divine light. The followers of truth and the sincere adherents of the prophets also benefit from this divine light in both this world and the hereafter, attaining eternal felicity. However, since the chain of prophethood comes to an end, and on the opposing front, the people of disbelief exert all their efforts to extinguish the light of God, the Almighty has designated twelve successors for the Prophet (PBUH) and introduced them to complete His light. The primary objective of this study is to examine the teachings of Mahdism from the perspective of the Qur'an and *Nahj al-Balagha*. The research methodology employed in this study is descriptive-analytical, utilizing documentary and library-based techniques. The findings indicate that the path of truth continues through the institution of Imamate, and with the emergence of the rightful successor of the Messenger of Allah (PBUH) and the dominance of the front of truth, the entire world will be illuminated by divine light, rendering the enemies powerless to extinguish it.

Keywords: *Teachings of Mahdism, Qur'an, Nahj al-Balagha.*



How to cite: Tayebi, R. A., Fathaliani, H., & Hosseini, S. H. (2024). Examining the Teachings of Mahdism from the Perspective of the Qur'an and Nahj al-Balagha. *Islamic Knowledge and Insight*, 1(2), 1-11.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 27 August 2023

Revise Date: 04 October 2023

Accept Date: 06 December 2023

Publish Date: 13 March 2024

چکیده

خدای تعالی نور آسمان‌ها و زمین است او کمال مطلق است لذا سیر عالم را به سوی خود قرار داده است از آنجا که امور تمام عالم در اختیار اوست لذا تنها هادی نیز همان ذات باری تعالی است. اما از آنجا که انسان توان ملاقات و ارتباط با خدا را ندارد، خدای تعالی واسطه‌های فیضی را قرار داده تا حق را به مردم برسانند و از باطل نهی کنند. اینان نیز که به هدایتگری در مسیر حق مشغولند صبغه الهی می‌گیرند و کسب نور می‌کنند. رهروان حق و پیروان راستین انبیا نیز از این نور الهی در دنیا و آخرت بهره می‌گیرند و به سعادت ابدی دست می‌یابند. اما از آنجا که سلسله نبوت به پایان می‌رسد و در جبهه مقابل، اهل کفر با تمام قوا سعی در خاموشی نور خدا دارند، خدای تعالی با جعل دوازده جانشین برای پیامبر (ص) و معرفی آنان اتمام نور می‌کند. هدف عمده پژوهش حاضر، بررسی آموزه‌های مهدویت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و تکنیک مورد استفاده نیز از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که، مسیر حق در جاده امامت امتداد یافته و با ظهور آن جانشین به حق رسول الله (ص) و غلبه جبهه حق، سراسر گیتی را نور حق فرا می‌گیرد و دشمنان نیز توان خاموشی این نور را ندارند.

کلیدواژگان: آموزه‌های مهدویت، قرآن، نهج البلاغه.

شیوه استناددهی: طیبی، روح انگیز، فتحعلیانی، حامد، و حسینی، سیدحمید. (۱۴۰۳). بررسی آموزه‌های مهدویت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. معرفت و بصیرت اسلامی، ۱(۲)، ۱-۱۱.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۰۵ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۲ مهر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۵ آذر ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۲۳ اسفند ۱۴۰۲

بر اساس فلسفه تاریخ اسلامی، حرکت جهان به سوی کمال است. به عبارت دیگر، گرچه جامعه توقف و صعود و سقوط و زوال دارد، ولی در نهایت سیر متعالی را طی می‌کند و به سوی پیشرفت و کمال و سعادت می‌رود و در مجموع همیشه از مبدأ خود دور و به مقصد نهایی نزدیک می‌شود (Misbah Yazdi, 1989). از منظر قرآن، جامعه‌ها، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه‌شدن و یک‌شکل شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی تکامل یافته است که در آن بشر به کمال حقیقی و سعادت واقعی و انسانیت اصیل خود خواهد رسید (Motahhari, 1990).

امام علی (ع) کل تاریخ را در سه بخش یعنی آفرینش و برگزیدن آدم (آغاز تاریخ) بعثت پیامبران (مرحله دوم تاریخ) و ظهور منجی مصلح (انجام تاریخ) توصیف می‌کنند. واژه مهدی به معنای کسی است که به وسیله خداوند هدایت می‌شود. صفت مفعولی ریشه هدی به مفهوم «هدایت کردن» می‌باشد این اصطلاح دوبار در قرآن در صفت فاعلی با همان ریشه هادی هدایت کننده به کار رفته است در اولین مورد خداوند می‌فرماید: «البتة خداوند اهل ایمان را به راه راست هدایت می‌فرماید» (حج آیه ۵۳) در مورد دوم چنین آمده است تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاریت کفایت می‌کند در قرآن اهتدی (او هدایت را برای خود پذیرفت) دقیقاً به صورت مجهول به کار رفته است که صیغه مفعولی آن مهتدی می‌باشد بنابراین انسانی که هدایت الهی می‌یابد به سادگی به این مهم نمی‌رسد بلکه خود هدایت ربانی را یا با فطرت و یا عقل در می‌یابد.

چون قرآن جامع فواید کتاب‌هایی است که از سوی خداوند نازل گشته (تورات، انجیل، زبور و...) بلکه جامع فواید همه علوم می‌باشد همان گونه که قرآن خود به این مطالب اشاره دارد مانند (تفصیل کل شی) سوره یوسف آیه ۱۱۱ و (تبیان لکل شی) سوره نحل آیه ۸۹ بر این اساس قرآن گرد آورنده علوم گذشتگان و آیندگان می‌باشد اعم از علوم معنوی که متعلق به انبیا و گذشتگان بوده و علوم مادی و تجربی و دنیوی. پژوهش حاضر، درصدد است معارف مهدویت را

بر اساس قرآن کریم که کتاب آسمانی است و نهج البلاغه که شامل خطبه‌های حضرت علی (ع) است تحلیل نماید.

موضوع مهدویت و مسائل مربوط به قیام امام زمان (عج)، خصوصاً وضعیت آینده جهان در حال حاضر از ضروری‌ترین دغدغه‌های نه تنها جهان اسلام بلکه بشریت است. آنچه اکنون ضروری است لزوم تبیین عالمانه و منطقی مبتنی بر مبانی مستحکم قرآنی و روایی با فهم دقیق عالمی ربانی می‌باشد. از ارکان اساسی فهم سیره شناسی و منطق مهدویت، ضرورت تبیین دو مسئله مهم حق و باطل و تکامل اجتماعی است اما الهیون و مکاتب الهی بخصوص اسلام، به طور قاطع و صریح خلقت عالم را برحق می‌دانند و آن را خیر و نیکی می‌شمارند و باطل و لغو و بازیچه نمی‌دانند و هیچ امر نبایستی را در نظام هستی قبول ندارند. بدون تردید سنت الهی، بر اجرای امور از طریق فرایند اسباب و عوامل آن است.

عمده هدف تحقیق، بررسی آموزه‌های مهدویت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مهدویت

مهدویت در لغت صفتی منسوب از مهدی است. یعنی کلمه عربی که از واژه مهدی گرفته شده است. مهدویت در اصطلاح همان صفت نسبی است. یعنی روش، مذهب، فکر، رفتار و عقیده‌ای که به مهدی انتساب داشته باشد.

۱-۲. مهدویت در قرآن

در قرآن کریم، نزدیک به ۳۲۰ آیه و به روایتی ۵۰۰ آیه در رابطه با مهدویت آمده است که به تبیین موضوع مهدویت و سیر جهان به سمت ظهور پرداخته و آن را به تصویر کشیده است. بررسی و تفسیر این آیات و تطبیق آنها با احادیث مرتبط که از زبان پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) روایت شده، نشان می‌دهد که این آیات با وجود اینکه همگی حول محور موضوع مهدویت هستند، اما از زوایای مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند. گویی این موضوع،

جهانی چند بعدی است که خداوند متعال در آیات قرآن به تفکیک، تمام ابعاد آن را بررسی کرده است.

۱-۳. نهج البلاغه

نهج البلاغه از نظر لغت: نهج به معنای راه و روش، بلاغت، یعنی سخن سخن گویا و رسا، به مقتضای حال و میزان فهم سخن گفتن، فصاحت، یعنی سخن پردازی، آوردن الفاظ و کلمات عبارات محکم و زیبا و سنجیده و نهج البلاغه یعنی روشن سخن و نهج البلاغه یعنی شیوارسا و شیوا سخن گفتن (تبیان)

از نظر اصطلاحی نهج البلاغه کتابیست شامل خطبه‌ها و مکاتیب حضرت علی (ع) که به وسیله سید محمد حسین موسوی بغدادی مشهور به سیدرضی که در نیمه دوم قرن چهارم هجری تدوین گردیده است و به علت فصاحت و بلاغت و علو مطالبش به آن اخ القرآن گفته‌اند. (تبیان)

۲. روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی از نوع کتابخانه‌ای است. داده‌های پژوهش با جست و جوی واژگان مهدویت در قرآن و نهج البلاغه جمع آوری و تحلیل شد.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. آموزه‌های مهدویت از دیدگاه قرآن

قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان است و بی‌تردید، ریشه همه مفاهیم دینی و اعتقادی، از قرآن نشأت گرفته است. معجزه‌ای از رسول گرامی اسلام، حضرت محمد (صلوات الله علیه) که به وسیله فرشته وحی (جبرئیل امین) از جانب خداوند به ایشان نازل شد. از هر باطلی مبرا بوده و هیچ مسئله‌ی بی‌پاسخی در آن نمانده است. کتابی برای همه اعصار است. کتابی که از سرنوشت و تاریخ پیامبران و امتهای پیشین گرفته تا اتفاقات روز قیامت و نفع صور و معاد، در آن توصیف شده است. کتابی فرا زمانی و فرا مکانی که قرار گرفتن در زمان و مکان خاص، هیچ محدودیتی در آموزه‌های آن ایجاد نمی‌کند. کتابی که به خلاصه و تفصیل درباره تمام موضوعات مورد نیاز جوامع بشری سخن گفته است، چگونه ممکن است که درباره قیام جهانی

منجی موعود و حجت الهی مورد بشارت پیامبر اکرم (ص) سکوت کرده باشد؟ به یقین که چنین نیست و آیات روشنی درباره قیام بزرگ حضرت بقیه الله و حکومت عدالت محور آن حضرت، در سرتاسر این کتاب روشنگر به منظور تبیین مسئله ولایت و ظهور آمده است. دینی که کاملترین ادیان الهی است و پیامبری که خاتم الانبیاست و کتابی که کامل ترین کتب آسمانی معرفی شده، همگی بشارت ظهور موعودی را داده‌اند که با قیامش ریشه ظلم و تباہی را خواهد خشکاند و درخت عدالت را در سرتاسر گیتی خواهد نشانند. قرآن از امام مهدی (ع) و برپایی حکومت مهر و عدل او، در موارد متعدد و آیات بسیاری سخن گفته است و از این حقیقت بزرگ خبر داده است. و این آیات بر شخصیت گرانمایه آن حضرت و ظهور او تاویل گردیده است.

در قرآن می‌خوانیم: اراده و مشیت ما بر این قرار گرفته که بر مستضعفان زمین- که بر اثر ستم ستم کاران به ضعف کشیده شده‌اند- منت نهیم (و ایشان را مشمول مواهب خویش نماییم). «و نريد ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین (قصص/۵) و نمکن لهم فی الارض..» (قصص/۶) یعنی: و ما اراده کردیم به کسانی که در روی زمین تضعیف شده‌اند نعمتی گران، ارزانی داریم و آنان را پیشوایان (راستین) و آنان را وارثان گردانیم. و نیرومند و صاحب قدرت و حکومت گردانیم... و به آنان در زمین اقتدار و منزلتی شایسته دهیم و از آنان به فرعون و هامان و سپاهیانش چیزی را که از آن می‌هراسیدند، نشان می‌دهیم.

آیات فوق بشارتی است در مورد پیروزی حق بر باطل و برچیده شدن بساط ظلم و تباہی. که نمونه‌های آن را می‌توان در پیروزی حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل بر فرعونیان و همچنین پیروزی و حکومت حضرت محمد (ص) جستجو کرد اما نمونه کامل آن با ظهور حضرت امام مهدی (ع) تحقق می‌یابد.

در قرآن کریم می‌خوانیم: «و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً». (اسرا/ ۸۱) بگو: حق فرا رسید و باطل نابود گشت، (چرا که) باطل نابودشدنی است» آرزوی بشر از دیرباز اجرای عدالت و

برچیده شدن بساط ظلم و بی‌عدالتی بوده است، قرآن کریم نیز نویدبخش تحقق این آرزوی دیرین بوده و فرارسیدن روزی را مژده داده است که در سرتاسر جهان حق حکومت کند و باطل نابود گردد. بر اساس روایات معتبر و فراوان، این پیروزی نهایی و حکم‌فرمای عدالت در سرتاسر گیتی مربوط به قیام حضرت امام مهدی (ع) می‌شود.

در سوره بقره آیه شماره ۳: «الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلاه و مما رزقناهم ینفقون» یعنی: «آنان که به غیب، ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می‌کنند.» (بقره/۳)

- تفسیر آیه

شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین از حضرت امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند: هرکس اقرار به ظهور امام زمان کند ایمان به غیب آورده است. متقین در این آیه شریفه شیعیان علی هستند و (غیب) حجت غایب است. دلیل این معنی آیه «فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم من المنتظرین» (یونس/۲۰) «یعنی: ای پیغمبر بگو غیب مال خداست پس منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم. که این آیه به فضیلت انتظار اشاره می‌کند.» در این آیه گروهی دیگر از مفسران حضرت مهدی را از مصادیق «یؤمنون بالغیب» دانسته و یکی از ویژگی‌های آن حضرت را غایب قلمداد کرده‌اند.

در سوره آل عمران در آیه ۱۴۰: «تلک الایام نداولها بین الناس» (آل عمران/۱۴۰)

یعنی این روزها را میان مردم می‌گردانیم.

روایت شده است که امام صادق (ع) فرمود: از زمان خلقت آدم همیشه دولتی از خدا و دولتی از شیطان بوده پس در این زمان دولت خدا کو؟ آگاه باشید که صاحب دولت خدا قائم آل محمد (عجل الله فرجه الشریف) است.

آیاتی از سوره مائده

نگاهی به آیات سوره مبارکه مائده داریم.

آیه سوم از سوره مبارکه مائده: «الیوم یش الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون» یعنی امروز کسانی که راه کفر پیش گرفته‌اند از دین شما نومید شدند پس از آنها ترسید بلکه از قهر من بترسید. در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که در تفسیر این آیه فرمود:

آن روز، روز ظهور صاحب الزمان است که بنی‌امیه نومید می‌شوند و آنها هستند که کافر گشته و از آل محمد (ص) نومید می‌باشند.

در همین سوره در آیه ۸: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهدا بالقسط...» (مائده/۸)

یعنی ای کسانی که ایمان آوردید برای خدا به داد برخیزید و به عدالت، شهادت دهید. صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن در تبیین مفهوم قوامین به قائم به عنوان یکی از لقب‌های حضرت مهدی اشاره کرده است.

در آیه ۱۴ سوره مبارکه مائده: «و من الذین قالوا انا نصاری اخذنا میثاقهم فتسوا حظ مما ذکروا به فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء الی یوم القیامه و سوف ینبئهم الله بما کانوا یصنعون» (مائده/۱۴).

و از کسانی که گفتند ما نصرانی هستیم از ایشان نیز پیمان گرفتیم و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند و ما هم تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنیم و بزودی خدا آنان را از آنچه می‌کرده‌اند خبر می‌دهد. درباره این آیه بعضی از مفسران با توجه به (حظا مما ذکروا به) از حضرت امام صادق (ع) نقل کرده‌اند که فرمود: «اما انهم سیدکرون ذلک الحظ مع القائم منا عصابه منهم» را اشاره می‌کنند که درباره بهره‌بردن اصحاب عام یعنی همان مومنان صالح که از سراسر جهان به حضرت خودشان را می‌رسانند، می‌باشد (مشهدی میرزا محمد، کنز الدقائق، ج ۴).

البته گروهی از مفسران می‌گویند که این آیه درباره چگونگی غلبه اسلام بر سایر ادیان در زمان حکومت صاحب الزمان (عجل الله فرجه الشریف) می‌باشد (Makarem Shirazi, 2001).

- آیاتی از سوره انعام

آیه ۲۳ سوره مبارکه انعام: «قالوا و الله ربنا ما کنا مشرکین»

«یعنی: گفتند به خدا قسم ما مشرک نبودیم.» در کافی آمده است که امام باقر (ع) در مورد این آیه می‌فرماید: یعنی آ‌ها هنگام ظهور امام زمان (عج) می‌گویند: ما منکر ولایت امیرالمومنین (ع) نبودیم. البته آیه بعد هم به این موضوع اشاره می‌کند. «انظر کیف کذبوا علی انفسهم و ضل ما کانوا یفترون» یعنی: ببین چگونه دروغ بر خود بستند و آنچه را افترا می‌بستند فراموش کردند؟

آیه ۳۷ سوره انعام: «و قالوا لولانزل علیه آیه من رب قل ان الله قادر علی ان ينزل آیه ولكن اکثرهم لا یعلمون».

یعنی: گفتند: چرا معجزه‌ای از سوی پروردگارش بر او نازل نشده است؟ بگو: بی‌تردید خدا قادر است که پدیده‌ای شگرف فرو فرستد لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند.

آیه ۱۵۸ سوره انعام: «یوم یاتی بعض آیات ربک لاینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل یعنی: روزی که بیاید یکی از آیات پروردگارت ایمان کسانی که قبلا ایمان نیاورده‌اند سودی نبخشد. صدوق در کمال‌الدین و ثواب‌الاعمال از حضرت صادق (ع) روایت می‌کند که فرمود: «آیات» ائمه هستند و «بعض آیات» قائم آل محمد (عج) است. البته مفسران علاوه بر این با اشاره بر کل آیه ۱۵۸ آن را نشانه ظهور حضرت مهدی و نزول حضرت عیسی بر شمرده‌اند و گروهی طلوع خورشید از مغرب را اضافه می‌کنند.

آیه ۳ سوره مبارکه توبه: «و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر» یعنی در روز حج بزرگ از جانب خدا و رسولش به مردم اعلان می‌شود.

در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: «حج بزرگ» ظهور قائم و «اعلان» دعوت مردم است.

آیه ۳۶ سوره مبارکه توبه: «و قاتلوا المشرکین کافه کما یقاتلونکم کافه و اعلموا ان الله مع المتقین» یعنی با همه مشرکین پیکار کنید چنانکه آ‌ها (اگر دسترسی پیدا کنند) با شما نبرد کنند و بدانید که خداوند با پرهیزگاران است.

در تفسیر عیاشی از زراره روایت است که گفت: از امام صادق (ع) راجع به این آیه سؤال شد پدرم امام باقر (ع) فرمودند: هنوز تاویل

آن نیامده است. اگر قائم ما قیام کند، آن کس که او را می‌بیند تاویل آن را به خوبی خواهد دید. با ظهور او شعاع دین پیغمبر (ص) چنان بالا گیرد که در روی زمین، شرک و بدبینی نماند چنانکه خداوند فرمود: «و قاتلوه‌م حتی لا تکون فتنه و یکون الدین کله لله»: یعنی با آ‌ها پیکار کنید تا فتنه‌ای نماند و تمام دین از آن خداوند باشد.

آیه ۳۲ سوره مبارکه توبه: «یریدون ان یطفنوا نورا لله بافواهم و یابی الله الان یتم نوره و لو کره الکافرون».

یعنی: می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند ولی خداوند نمی‌گذارد تا نور خود را کامل کند هرچند کافران را خوش نیاید. برخی از مفسران با نقل روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) به تلاش فرعون برای از بین بردن حضرت موسی و بنی‌امیه و بنی‌عباس برای از بین بردن نسل اهل بیت (ع) اشاره نموده و شباهت حضرت مهدی (عج) به حضرت موسی (ع) را در ولادت بیان کرده‌اند. برخی دیگر از مفسران از امام کاظم (ع) نقل کرده‌اند که این آیه را به حاکمیت دین حق بر تمام ادیان در وقت قیام حضرت مهدی مطرح نموده‌اند.

آیه ۸ سوره مبارکه هود: «و لئن اخرنا عنهم العذاب الی امه معدوده لیقولن ما یحبسه الایوم یاتیهم لیس مصروفا عنهم و حاق بهم ما کانوا به یتهزون»

یعنی: اگر عذاب را تا مدت معینی به تأخیر بیندازم حتما خواهد گفت: چه چیز آن را بازداشت؟ آگاه باش روزی که عذاب به آ‌ها برسد از ایشان بازگشتنی نیست و آنچه را که مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت. از امام علی (ع) در مورد «امه معدوده» نقل شده است که فرمودند:

اصحاب قائم آل محمد (ص) هستند که ۳۱۳ نفرند «اصحاب القائم الثلاث مائه و البضعه عشر»

آیه ۸۶ سوره مبارکه هود: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مومنین و ما انا علیکم بحفیظ» یعنی: «اگر مومن باشید، باقی مانده خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم.» در این آیه گروهی با اشاره بقیة الله

آن را به عنوان یکی از ویژگی‌های خاص صاحب الزمان (عج) می‌دانند.

و نیز خداوند در قرآن کریم این گونه از آن حضرت نوید می‌دهد: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون...» (نور/ ۵۵).

یعنی: خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که آنان را در روی زمین جانشین دیگران سازد همان گونه که مردمی را که پیش از آنان بودند جانشین دیگران کرد و دین‌شان را - که خود برایشان پسندیده است - استوار سازد و وحشت‌شان را به امنیت تبدیل کند، تا تنها مرا پرستند و چیزی را با من شریک نگیرند. و آنان که از آن پس، راه کفر و ناسپاسی در پیش گیرند، نافرمانند.

این آیه شریفه از جمله آیاتی است که به آن حضرت تاویل شده است. با نگرش به ظاهر این آیه، خداوند به مؤمنان و شایسته‌کرداران این امت، نوید جامعه‌ای را می‌دهد که از هر پلیدی و ناپاکی پیراسته است و به تمامی ارزش‌ها و قداست‌ها و شایستگی‌ها آراسته است، این معنای ظاهری این آیه شریفه. این وعده شکوهمند خدا که سه‌بار با «لام قسم» مورد تاکید قرار گرفته است و سه‌بار با «نون تاکید» تاکنون تحقق نیافته است. چه زمانی مرم با ایمان و شایسته‌کردار توانستند با اقتدار، حکومت مهر و عدل خویش را در سراسر جهان به‌پا دارند و در کمال آزادی و بدون ترس و دلهره مقررات عادلانه و جان‌بخش قرآن را در عرصه‌های حیات، پیاده نمایند؟ این مؤمنان شایسته‌کرداری که خداوند در آیه مورد بحث این وعده روح‌بخش را به آنان می‌دهد، چه کسانی هستند؟

قرآن در آیه دیگری می‌فرماید: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون؛ ما در زبور (کتاب‌های آسمانی پیشین) پس از نوشتن در لوح محفوظ، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث می‌برند.» (انبیا/ ۱۰۵).

- معنای تفسیر آیه

مفسران در تفسیر این آیه، در معنای «زبور و ذکر» به توافق نرسیده‌اند، اما این دیدگاه‌های متفاوت، اختلاف جوهری نیست. چرا که معنای زبور، چه کتاب آسمانی نازل شده بر داود پیامبر (ع) باشد، یا مقصود از آن جنس کتاب‌های آسمانی، مهم نیست همچنان که معنای ذکر نیز در آیه شریفه «تورات» باشد یا «قرآن» یا «لوح محفوظ» همچنان که مفسرین گفته‌اند، به محتوای آیه صدمه‌ای نمی‌زند و معنای آیه این گونه است: «و ما در کتاب‌هایی که بر پیامبران فرو فرستادیم، یا در «زبور» که آن را بر داود پیامبر نازل ساختیم، پس از نوشتن در لوح محفوظ یا تورات یا قرآن، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به میراث می‌برند.»

- دو روایت از امام باقر

طبرسی و دیگران در تفسیر آیه از پنجمین امام نور (ع) آورده‌اند که فرمود: «هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان؛ اینان یاران حضرت مهدی (ع) در آخر الزمان هستند.» (طبرسی، ۱۹۸۶م: ۱۲۰).

به باور ما، موضوعی که خدای جهان‌آفرین در «زبور» و در «ذکر» نوشته است و آن را «لقد» و «ان» دو بار، سخت، مورد تاکید قرار داده، شایسته است که موضوعی بسیار اساسی و حساس و در نهایت اهمیت باشد. صحیح است که برخی مفسران مقصود از «زمین» در آیه مبارکه را زمین بهشت دانسته و آیه را این گونه معنا کرده‌اند که: «بندگان شایسته خدا، زمین بهشت را به ارث می‌برند.» و برخی نیز زمین مورد نظر را همین سیاره خاکی دانسته‌اند که سرانجام امت مسلمان آنرا با فتوحات خویش به ارث می‌برند. اما این دو دیدگاه معنای ظاهری آیه است و معنای نهان و تاویل آیه شریفه این است که: «بندگان شایسته خدا بر سراسر جهان حکومت عادلانه و انسانی خویش را برقرار خواهند ساخت.»

مرحوم «شیخ طوسی» در تفسیر آیه شریفه از امام باقر (ع) روایت کرده است که: «انّ ذلک وعد الله للمؤمنین بانهم یرثون جمیع الارض؛ این وعده قطعی خدا بر مؤمنان است که آنان تمامی زمین و زمان را به ارث خواهند برد.» (Tusi).

این آیه مبارکه از نظر معنا، به آیه پیش شباهت دارد که می‌فرماید: «لِيسْخَلْفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ» در این دو آیه، چه تعبیر زیبایی به کار رفته است، تعبیر به «ارث» و «استخلاف» که «ارث» انتقال ثروت و امکانات از مرده به زنده و «استخلاف» نیز قرار دادن یکی بجای دیگری را می‌گویند.

آموزه‌های مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه

نهج البلاغه آینه‌ای است که سیمای پرفروغ قائم آل محمد (علیهم السلام) در آن گرچه اندک، ولی زیبا، پرجاذبه، نویدبخش، دل‌انگیز و تحرک آفرین تجلی کرده و همچون جام بلورینی است که زمزم سخنان علوی درباره فرزندش مهدی موعود (علیه السلام) در آن ریخته شده است.

نهج البلاغه از عالی‌ترین درجه اعتبار و سند برخوردار بوده و سخنان برگزیده امام علی (علیه السلام) و ترجمان شیوایی از قرآن کریم است. کشمکش‌های عقیدتی و مجادله مذهبی میان شیعه و عامه و خلافت بلافضل امیرالمومنین (علیه السلام) مورد گفتگو است. امام به گفتار پیامبر انسان کامل، داور عادل، کلید قرآن و یار دلسوز پیامبر است می‌تواند جدا کننده حق از باطل و معیار و الگویی باشد تا با اتکا به آن حقیقت و واقعیت روشن گردد.

خطبه ۱۰۰ امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

الا ان مثل آل محمد صلی علیه و آله کمثل نجوم سماء اذا خوی نجم (آگاه باشید مثل آل محمد (ص) مثل ستارگان آسمان است اگر ستاره‌ای غروب کند ستاره‌ی دیگری طلوع خواهد کرد. آنچه با توجه به معنای عبارت فوق این است که حضرت امیر ظهور حضرت حجت (عج) را بشارت می‌دهد.

عبارت فوق به گونه‌ای بیان می‌گردد که گویی مخاطبین امیرالمومنین (ع) زمان ظهور امام زمان (عج) را درک خواهند کرد. حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: زمانی که مهدی (عج) بیاید نظرها را تابع قرآن می‌سازد در حالی که تفسیر قرآن قبل از ظهور او تابع هواهای نفسانی شده است. باید شرایط را برای جلوگیری از تفسیر قرآن مطابق

هواهای نفسانی فراهم ساخته و با تحول در علوم انسانی به تفسیر قرآن مدنظر حضرت حجت نزدیک تر شویم.

از امام علی (ع) می‌فرماید: هرگز زمین از حجت الهی که با دلیل و برهان برای حاکمیت بخشیدن به احکام و ارزشهای دینی قیام می‌نماید خالی نخواهد بود و حجت خداوند عالم یا به صورت عالم یا به صورت شناخته شده و آشکار یا در اثر فراهم نبودن شرایط مناسب به طور پنهانی و ناشناخته به سر می‌برد (طباطبائی، ۱۳۷۴).

غیبت امام مهدی (عج) در نهج البلاغه

غیبت امام زمان (عج) همواره مسئله‌ای مهم، معتبر و اصیل بوده است، به گونه‌ای که حضرت علی (ع) نیز در نهج البلاغه به علت حکیمانه غیبت اشاره فرموده اند. حضرت علی (ع) نیز به نحوی سربسته در ادامه حکمت ۱۴۷ به علت حکیمانه غیبت اشاره فروده اند: «او بیمناک و پنهان است تا حجت خدا باطل نشود و نشانه هایش از میان نرود.»

بر پایه برخی روایات، خوف از کشته شدن، از اسباب غیبت وجود مبارک ولی عصر (عج) است چنان که امام صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمود: «لَا بَدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةِ فَقِيلَ لَهُ: وَلِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: يَخَافُ الْقَتْلَ: او ناگزیر از غیبت است. پرسیدند چرا؟ فرمود می‌ترسد کشته شود.» امام مهدی (عج) همچون دیگر امامان نیست که اگر کشته شود دیگری جانشین او شود، او باید تا شرایط لازم برای حکومت جهانی اسلام فراهم شود منتظر بماند و با آماده شدن شرایط ظهور فرمایند.

از خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه درباره غیبت امام زمان (عج)..... یا قوم هذا ابان ورود کل موعود و دنو من طلعه ما لا تعرفون، الاوان من ادرکها منا یسری فیها بسراح منیر، و یحدوا فیها علی مثال الصالحین، لیحل فیها ربقا، و یعتق فیها رقا، و یصدع شعبا و یشعب صدعا، فی ستره عن الناس، لا یبصر القائف اثره، و لو تابع نظره.....

ای مردم اکنون هنگام فرارسیدن فتنه‌هایی است که به شما وعده داده شده، و نزدیک است برخورد با رویدادهای که حقیقت آن بر شما ناشناخته و مبهم خواهد بود.

است که: مقصود از تضعیف شدگان در آیه شریفه، خاندان پیامبرند. مردم آنان را تضعیف نموده و بر آنان ستم کرده و آنان را به قتل رسانده و رانده و سخت‌ترین بیدادگری را در مورد آنان روا داشته‌اند. از امیر مؤمنان (ع) آورده‌اند که این آیه شریفه را تلاوت کرد که: «هو الّذی ارسل بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدّین کلّه» آنگاه فرمودند: «آیا این نوید پیروزی تحقّق یافته است؟» پاسخ دادند: «آری!» آن حضرت فرمود: «هرگز! به خدایی که جانم در کف قدرت اوست، با تحقّق این وعده، هیچ شهر و دیاری نمی‌ماند جز اینکه در آن ندای یکتایی و عظمت خدا بامدادان و شامگاهان طنین می‌افکند.»

«الا و من ادرکها منّا یسری فیها بسراج منیر، و یخذوفیها علی مثال الصالحین لیحلّ فیها ربّاقاً و یعتق رقاً و یصدع شعباً و یشعب صدعاً» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰).

«بدانید آنکه از ما (مهدی) فته‌های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش صالحان (پیامبر و امامان علیهم السلام) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گم راه و ستمگر را پراکنده و حق جویان را جمع آوری می‌کند.»

ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، که از علمای بزرگ اهل سنت است، در ذیل این کلام حضرت می‌گوید: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) یادآوری نموده است که مهدی آل محمد (علیهم السلام) در تاریکی فتنه‌ها با چراغ روشن ظهور می‌کند و مردم را از بردگی و اسارت رهایی داده و مظلومان ستم دیده را از دست ستمگران نجات می‌دهد (Ibn Abi al-Hadid, 1967).

در سخنان حضرت سه نکته اساسی به خوبی مورد توجه قرار گرفته اند:

اول: حضرت مهدی (علیه السلام) وقتی در برابر فتنه‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی قرار می‌گیرد با چراغ پرفروغ حکمت و درایت الهی وارد عمل شده، در پرتو دستورات وحی آسمانی و قرآن

امام مهدی (عج) نیز هنگام تولد، لب به سخن می‌گشاید و پس از شهادت به وحدانیت الهی و نثار درود و سلام بر پیامبر اکرم و پدران پاک و معصوم خویش چنین می‌فرماید: «بسم الله الرحمن الرحیم و نرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین...» (Saduq, 1985).

امیرالمؤمنین (ع) در تاویل این آیه شریفه می‌فرماید: «دنیا پس از چموشی و سرکشی، بسان شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و آنرا برای بچه‌اش نگه‌داری می‌کند، به ما روی خواهد آورد (نهج البلاغه، قصار ۲۰۹). سپس به تلاوت این آیه شریفه پرداخت که: «و نرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین...»

«ابن ابی الحدید» در این مورد می‌نویسد: «بزرگان دینی و هم‌فکران ما بر این واقعیت تصریح می‌کنند که این بیان امیرمؤمنان (ع) نوید از آمدن امام و پیشوای بزرگی است که فرمانروای زمین و زمان می‌گردد و همه کشورها در قلمرو قدرت او قرار می‌گیرند...» (Ibn Abi al-Hadid, 1967).

و نیز از امیرالمؤمنین آورده‌اند که فرمود: «مستضعفان یاد شده در قرآن کریم که خداوند اراده فرموده است آنان را پیشوای مردم روی زمین قرار دهد، ما خاندان پیامبریم. خداوند سرانجام «مهدی» این خانواده را بر می‌انگیزند و به وسیله او، آنان را به اوج شکوه و عزت و اقتدار می‌رساند و دشمنانش را به سختی، به ذلت می‌کشد.» (Majlisi, 1984).

در آیه مورد بحث که ظاهر سخن از جنایات فرعون است قرآن به این واقعیت تصریح می‌کند که: «و نرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» یعنی:..... و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین، نعمتی گران ارزانی داریم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم. در اینجا، معنای ظاهری این است که خداوند عزت و اقتدار بنی اسرائیل را به آنان باز پس می‌دهد و «فرعون» و «هامان» و سپاهیان را به بوته هلاکت می‌سپارد. اما معنای نهان آیه شریفه غیر از معنای ظاهری و روشن آن است. آن معنا این

این مصداق این امام معصوم کیست؟ و چه هویتی دارد در نهج البلاغه آمده است که این فرد همان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.

این وعده الهی که پیروزی نهایی حق در زمان حضرت مهدی (ع) به طور کامل محقق خواهد شد، بدان معنا نیست که در زمان‌های قبل از حضرت مهدی (ع) هیچ نوع پیروزی نصیب حق نمی‌گردد؛ به عنوان نمونه حضرت رسول خدا (ص) در هنگام فتح مکه پس از ورود به مسجدالحرام در حالی که بت‌ها را یکی پس از دیگری سرنگون می‌ساخت، آیه «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً» را تلاوت می‌فرمود. آری این یک سنت الهی است که اگر اهل حق بر خدا توکل کنند و در برابر باطل و ظلم ایستادگی نمایند خداوند آن‌ها را پشتیبانی می‌کند و به پیروزی و رستگاری نایل می‌گرداند. همچنان که ملت شهیدپرور ایران توانستند با رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) حکومت ستم‌شاهی را سرنگون و حکومت الله را برپا نمایند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The doctrine of Mahdism occupies a central place in Islamic eschatology, drawing its theological foundations from the Qur'an and Nahj al-Balagha. As articulated by various Islamic scholars, Mahdism represents the ultimate divine justice that will be realized in the end times through the emergence of a divinely guided leader who will eradicate tyranny and establish righteousness on earth. Within Islamic theology, the notion of divine guidance is intertwined with the broader framework of human purpose and spiritual fulfillment, as posited in the Qur'anic verse: "Indeed, We wrote in the Psalms after the Reminder that the earth shall be inherited by My

کریم، به ایجاد عدالت و خاموش نمودن شعله‌های بی‌عدالتی می‌پردازد.

دوم: تمام دیدگان عالم توسط حضرت مهدی (علیه السلام) از قید اسارت‌های گوناگون و بی‌عدالتی‌های رهایی یافته، زندگی همراه با سعادت و شادکامی برای آنان فراهم می‌گردد.

سوم: سیره عملی حضرت مهدی (علیه السلام) همان سیره صالحانی است که حضرت امیرمؤمنان در نهج البلاغه درباره آن‌ها فرموده:

«الْهَمُّ أَنْتَ تَعَلَّمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَلَدَى كَانَتْ مَنَّا مَنَافِسَةٌ فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسُ شَيْءٌ مِنْ فَضُولِ الْحَطَامِ وَ لِيَكُنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مَنْ دِينَكَ وَ نُظْهِرِ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمَعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» (نهج البلاغه / خطبه ۱۳۱).

نتیجه‌گیری

از نظر قرآن کریم، در طول تاریخ زندگی انسان، هیچگاه زمین از حجت خدا خالی نبود و خداوند برای هر امتی فردی را مناسب برگزیده تا انسان‌ها را در راه رسیدن به کمال مطلوب رهنمون باشند چنانکه خداوند سبحان فرمود انما انت منذر و لكل قوم هاد پس همواره یک بیم دهنده و هدایتگر در جوامع انسانی حضور دارد که از جانب خدا برگزیده شده است. و امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا (ص) آورده (دین اسلام) هدایت می‌کند اما righteous servants" (Qur'an 21:105) (Tabatabai). This promise underscores the essential role of the Mahdi as the ultimate executor of divine will on earth. The necessity of Mahdism arises from the historical pattern of oppression and corruption, which necessitates an eschatological savior capable of restoring balance and guiding humanity towards ultimate truth. The Qur'an and Nahj al-Balagha collectively establish that the Mahdi is a divinely ordained successor who will bring to fruition the divine decree that the righteous shall inherit the earth. According to Imam Ali (AS), "The world will be filled with justice after it has been filled with oppression" (Ibn Abi al-Hadid, 1967). This assertion reflects the deeply embedded belief

within Islamic thought that divine justice is not only an abstract ideal but a tangible future reality that will be manifested under the leadership of the Mahdi.

A major theme in Mahdism is the concept of Imamate, which the Qur'an and Nahj al-Balagha emphasize as an essential mechanism for divine governance. The Imamate serves as an extension of prophethood, ensuring the continuous transmission of divine knowledge and justice. The Qur'an states: "And We made them leaders guiding by Our command, and We inspired them to do good deeds, establish prayer, and give charity" (Qur'an 21:73) (Motahhari, 1990). This verse underscores the divine role of Imams as God's chosen leaders, charged with guiding the ummah (community) in accordance with divine revelation. Nahj al-Balagha further elaborates on this concept through Imam Ali's (AS) pronouncements on the necessity of a just ruler: "A society without a leader is like a body without a head" (Ibn Abi al-Hadid, 1967). This analogy signifies the indispensable role of divine leadership in safeguarding social order and moral integrity. The doctrine of Mahdism affirms that the final Imam, the Mahdi, is not only a leader in a conventional sense but the ultimate culmination of divine leadership, destined to establish an era of universal justice. In the context of Islamic jurisprudence, Mahdism is not merely a speculative theological construct but a doctrinal necessity supported by scriptural exegesis and scholarly discourse. Scholars such as Allama Tabatabai argue that Mahdism is a continuation of the divine covenant, wherein God has promised to provide guidance to humanity in every epoch (Tabatabai). This perspective aligns with the broader Islamic principle that divine wisdom necessitates a perpetual source of guidance, embodied in the figure of the Mahdi.

The eschatological vision of Mahdism extends beyond individual spirituality, encompassing the restructuring of global socio-political dynamics. The Qur'an states: "And We wish to confer favor upon those who were oppressed in the land and make them leaders and make them inheritors"

(Qur'an 28:5) (Al-Kulayni, 1986). This verse highlights the Qur'anic emphasis on divine justice as an inherent aspect of cosmic order, whereby oppression is inevitably overturned by righteousness. Nahj al-Balagha echoes this sentiment, with Imam Ali (AS) proclaiming: "The days of oppression are numbered, and the dawn of justice is near" (Ibn Abi al-Hadid, 1967). The central premise of Mahdism is that human history is teleological, meaning that it is directed towards a predetermined end in which divine justice will prevail. This eschatological narrative serves as a moral imperative for believers, inspiring them to strive towards justice in anticipation of the Mahdi's advent. The global implications of Mahdism suggest that the emergence of the Mahdi will not be confined to the Islamic world but will have universal ramifications, leading to a restructuring of global governance based on principles of justice and equity. This perspective is reinforced by the hadith literature, which states: "He will fill the earth with equity and justice just as it was filled with oppression and tyranny" (Saduq, 1985). The inevitability of this transformation is a central tenet of Mahdist doctrine, positioning it as a fundamental aspect of Islamic eschatology.

One of the most frequently debated aspects of Mahdism is the concept of occultation (ghayba), which posits that the Mahdi is in a state of concealment until the appointed time of his reappearance. The Qur'an alludes to this phenomenon in the verse: "And We will surely test you until We make evident those who strive among you and the patient, and We will test your affairs" (Qur'an 47:31) (Makarem Shirazi, 2001). This verse is often interpreted in relation to the trials associated with the period of occultation, during which believers are tested in their faith and adherence to divine guidance. Nahj al-Balagha addresses this concept through Imam Ali's (AS) statement: "There will come a time when the righteous will suffer, and the oppressors will prevail, but patience shall be the key to salvation" (Ibn Abi al-Hadid, 1967). The period of occultation serves a dual purpose: first, as a divine

test of faith, and second, as a preparatory phase for the ultimate realization of justice. Islamic scholars argue that the Mahdi's absence does not negate his influence; rather, it signifies a hidden presence that continues to guide the faithful in unseen ways. This notion is supported by the theological principle that divine leadership, even in concealment, remains an active force in shaping human destiny.

The culmination of Mahdism is the eventual reappearance of the Mahdi, which is described in Islamic texts as a period of unprecedented transformation. The Qur'an states: "And say: Truth has come, and falsehood has perished. Indeed, falsehood is bound to perish" (Qur'an 17:81). This verse encapsulates the essence of the Mahdi's mission, which is to establish absolute truth and eradicate all manifestations of falsehood. Nahj al-Balagha further amplifies this vision with Imam Ali's (AS) prophecy: "When the time comes, he shall raise the banner of justice, and none shall oppose him but the arrogant and the oppressors" (Ibn Abi al-Hadid, 1967). The concept of the Mahdi's emergence is not merely a theological abstraction but a defining aspect of Islamic eschatology that carries profound ethical and social implications. The anticipation of his arrival fosters a sense of moral responsibility among believers, compelling them to align their actions with the principles of justice and righteousness. Islamic legal scholars maintain that belief in the Mahdi is not an optional aspect of faith but a fundamental article of Islamic doctrine, supported by a vast corpus of scriptural and exegetical evidence.

In conclusion, the doctrine of Mahdism, as expounded in the Qur'an and Nahj al-Balagha, represents the culmination of divine justice and the fulfillment of God's promise to humanity. It is deeply rooted in the Islamic theological framework, drawing on scriptural evidence to establish the necessity of a divinely guided leader who will restore justice and eradicate oppression. The Mahdi's role as the ultimate executor of divine will underscores the teleological nature of human history, affirming that justice is an inevitable outcome ordained by God. The concept of

occultation serves as both a test of faith and a preparatory phase leading to the Mahdi's eventual emergence, which is envisioned as a period of unprecedented transformation. The eschatological vision of Mahdism is not confined to the Islamic world but has universal implications, suggesting a global restructuring based on justice and equity. The anticipation of the Mahdi's arrival functions as a moral imperative, compelling believers to strive for righteousness in both individual and collective capacities. The doctrine of Mahdism, therefore, is not merely an esoteric belief but a foundational aspect of Islamic theology that continues to shape the ethical and social consciousness of Muslim communities worldwide.

References

- Al-Kulayni, M. i. Y. (1986). *Al-Kafi*. Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Ibn Abi al-Hadid, A. H. B. (1967). *Sharh Nahj al-Balagha* (M. A. F. Ibrahim, Ed.). Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Majlisi, M. B. (1984). *Bihar al-Anwar*. Muassasat al-Wafa'.
- Makarem Shirazi, N. (2001). *Tafsir-e Namuneh, Vol. 2*. Dar al-Kitab al-Islamiyyah Publications.
- Misbah Yazdi, M. T. (1989). *Society and History from the Perspective of the Quran*.
- Motahhari, M. (1990). *Majmu'a-e Athar*.
- Saduq, M. i. A. (1985). *Kitab Man La Yahduruhu al-Faqih, Vol. 4* (A. A. Ghaffari, Ed.). Jami'a Modarresin.
- Tabatabai, S. M. H. *Shi'a in Islam*. Daftar Intisharat Islami.
- Tusi, M. i. H. *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran* (A. H. Q. A'lami, Ed.). Dar Ihya al-Turath al-Arabi.